

Research Article

A Grounded Theory Research on Transmission of Parental Psychological Annoyance to Children based on Parents' Life Review

M. Maadi Esfahan¹, M. Esmaeili^{2*}, S. kazemian³ & E. Naeimi⁴

1. Ph. D Student in Counseling, Counseling Department, Psychology and Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: maryammaadi@yahoo.com

2. Professor, Counseling Department, Psychology and Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: m.esmaeili@atu.ac.ir

3. Associate Professor, Counseling Department, Psychology and Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: somaye.kazemian@yahoo.com

4. Assistant Professor, Counseling Department, Psychology and Education Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: naeimi@atu.ac.ir

Abstract

Aim: The aim of this study is to identify the components of parental psychological annoyance transmitted to children based on parents' life reviews. **Method:** Present study is qualitative research based on grounded theory through purposeful and theoretical sampling. The population of the study was selected among Iranian parents aged 35 to 50 years with adolescent children [boys or girls aged 13 to 18 years] living in Tehran city who had participated in an in-depth and semi-structured interview voluntarily for data gathering. After the realization of theoretical saturation in the eighteenth interview, the Glaser method was used to analyze the data. **Results:** The analysis of annoyance types was divided into four components with its perceptual factors as annoyance caused by communication space, annoyance caused by interactions, annoyance caused by parenting style, and annoyance caused by living conditions. **Conclusion:** In addition to the increase of insight and deep understanding of the areas and components of annoyance and its transmission in the family, the results of the study can provide the necessary content to design preventive programs.

Keywords: *Psychological Annoyance, Intergenerational Transmission, Grounded Theory, Life Review*

Citation: Maadi Esfahan, M., Esmaeili, M., kazemian, S., & Naeimi, E. (2022). A grounded theory research on transmission of parental psychological annoyance to children based on parents' life Review. *Quarterly of Applied Psychology*, 16 (4): 59-84.

مقاله پژوهشی

کاوشی داده بنیاد بر انتقال آرزوگی‌های روانی والدین به فرزندان مبتنی بر مرور زندگی والدین

مریم معادی اصفهان^۱، معصومه اسمعیلی^۲، سمیه کاظمیان^۳ و ابراهیم نعیمی^۴

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: Maryammaadi@yahoo.com

۲. استاد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: m.esmaeili@atu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: somaye.kazemian@yahoo.com

۴. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: naeimi@atu.ac.ir

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های آرزوگی‌های روانی انتقال‌یافته از والدین به فرزندان، مبتنی بر مرور زندگی والدین بود. **روش:** پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناسی از نوع کیفی و به روش نظریه داده بنیاد و از طریق نمونه‌گیری هدفمند و نظری صورت گرفته است. جامعه موردپژوهش از بین والدین (پدر یا مادر) ۳۵ تا ۵۰ سال دارای فرزند نوجوان (دختر و پسر در بازه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال) شهر تهران انتخاب شدند که به‌صورت داوطلبانه در مصاحبه حضور پیدا کردند. با استفاده از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته، داده‌ها جمع‌آوری و پس از تحقق اشباع نظری در مصاحبه هجدهم، به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش گلیزر استفاده شد. **یافته‌ها:** در تحلیل انواع آرزوگی، چهار مؤلفه آرزوگی‌های ناشی از فضای ارتباطی، آرزوگی‌های ناشی از تعاملات، آرزوگی‌های ناشی از شیوه تربیتی و آرزوگی‌های ناشی از موقعیت معیشتی به همراه عوامل ادراک آن تقسیم گردید. **نتیجه‌گیری:** نتایج یافته‌های پژوهش علاوه بر افزایش بینش و آگاهی نسبت به بسترهای ایجاد آرزوگی و انتقال آن، می‌تواند محتوای لازم را جهت طراحی برنامه‌های پیشگیرانه فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: آرزوگی‌های روانی، انتقال بین نسلی، رویکرد داده بنیاد، مرور زندگی

استناد به این مقاله: معادی اصفهان، مریم، اسمعیلی، معصومه، کاظمیان، سمیه، و نعیمی، ابراهیم. (۱۴۰۱). کاوشی داده بنیاد بر انتقال آرزوگی‌های روانی والدین به فرزندان مبتنی بر مرور زندگی والدین. فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، ۱۶ (۴ پیاپی ۶۴): ۸۴-۵۹.

مقدمه

سلامت روانی در بزرگسالی به شدت متأثر از دوران کودکی است و تجربه آزرده‌گی به منزله تهدیدی برای تأمین نیازهای اساسی است. آزرده‌گی^۱ وضعیت روانی ناخوشایندی است که با احساساتی مانند ناامیدی، خشم و نارضایتی نسبت به فرد یا منبع دیگری شناخته می‌شود (موهر و همکاران، ۲۰۰۶). فرآیند ایجاد آزرده‌گی، با درک محرک‌های بالقوه آغاز و به دنبال آن واکنش‌های روان‌شناختی و فیزیکی در پاسخ به آن محرک‌ها فراخوانده می‌شود و در نهایت با راهبردهای شناختی، عاطفی و رفتاری جهت کاهش پیامدهای آزرده‌گی به پایان می‌رسد (هابر و همکاران، ۲۰۱۹). خانواده یکی از ابتدایی‌ترین بسترهای ایجاد آزرده‌گی است که به‌طور خاص در روابط والد-فرزندی بروز می‌کند. این وضعیت روانی ناخوشایند می‌تواند منجر به آسیب روانی والدین و همچنین سبک فرزندپروری منفی شود (تدگارد و همکاران، ۲۰۱۸). آزرده‌گی‌های بجا مانده از دوران کودکی کم‌وبیش در همه افراد وجود دارد و ممکن است به‌صورت جبرانی در روابط کنونی بازنمایی شود (ترو و بارس، ۲۰۱۶). چنانچه یافته‌های پژوهشی علوی لواسانی و احمدی طهور سلطانی (۱۳۹۶) مؤید آن است که تجربیات آزرده‌دهنده در دوران کودکی باعث سوگیری‌های منفی در تفسیر اطلاعات هیجانی و شناختی می‌شود و می‌تواند آشفتگی‌های روانی را در بزرگسالی پیش‌بینی کند. در حقیقت افرادی که تجربه آسیب بین‌فردی در روابط اولیه دارند، در واکنش به عدم برآورده شدن نیازهایشان به عشق و امنیت، نمونه‌ای از سیستم دلبستگی را ارائه می‌دهند که با مهرطلبی افراطی، تهدید در خصوص طرد شدن توسط دیگران و کنترل بیمارگونه‌ی دیگران مشخص می‌شود (دوگال و همکاران، ۲۰۱۶ و قائم‌پور و همکاران، ۱۳۹۸)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تجارب والدین در دوران کودکی در خانواده مبدأ نقش مهمی در بروز مشکلات رفتاری در بزرگسالی دارد (کراس و همکاران، ۲۰۱۸) که از این پدیده تحت عنوان انتقال میان‌نسلی^۲ یاد می‌شود.

در انتقال بین نسلی به‌طور هدفمند یا ناخواسته نگرش‌ها و رفتارهای والدگری یک نسل به شکلی روان‌شناختی تحت تأثیر نسل پیشین قرار می‌گیرد (ون ایزندورن، ۱۹۹۲). آزرده‌گی‌های حاصل از تجربیات اولیه می‌تواند در فرآیند انتقال بین نسلی، ابعادی از قبیل، تصویر والدین از خود، پیوند و پویایی‌های ارتباطی بین فرزند و والدین را تحت تأثیر قرار دهد (چمبرلین و همکاران، ۲۰۱۹). بدین صورت که تجربیات ادراک شده والدین از قبیل طرد و بدرفتاری، تفاسیر و اسنادهای آن‌ها را در ارتباط با فرزندانشان تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تجربه ذهنی بر نحوه

۱. Annoyance

۲. Intergenerational transmission

ارتباط با فرزندشان تأثیر می‌گذارد (جولیان و همکاران، ۲۰۱۸). انتقال بین‌نسلی می‌تواند از طریق تعامل مستقیم کودک با والدین و الگوبرداری از آنان صورت گیرد یا اینکه کودک سبک دلبستگی ناشی از تعامل با والد را به‌روراند و در زمان والدگری خود آن را تکرار کند (ون ایندورزن و کرانبورگ، ۱۹۹۷)؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین حیطه‌های والدگری، توانایی والدین در درک تجارب و تطبیق آن‌ها با سبک والدگری زمان حال است. مطالعات نیز نشان می‌دهند که درک بیشتر از تجربیات پیشین و فعلی می‌تواند به شکستن چرخه انتقال آزرده‌گی در طول نسل‌ها کمک کند (آینگار و همکاران، ۲۰۱۹ و برنج، ۲۰۱۸).

هرچند برخی از رویکردهای درمانی موفقیت‌هایی را در راستای توقف چرخه انتقال بین‌نسلی کسب نمودند، اما از شایع‌ترین شیوه‌های درمانی موثر در حل مسائل مربوط به انتقال بین‌نسلی، درمان مرور زندگی است. مرور زندگی یک فرآیند ذهنی طبیعی است که با بازگشت تدریجی خودآگاهی از تجربیات گذشته و به‌ویژه زنده کردن تعارضات حل‌نشده رخ می‌دهد (باتلر، ۱۹۶۳). فرایند مرور زندگی از چهار بخش به‌هم‌پیوسته تشکیل شده است؛ ابتدا به خاطر آوردن و آگاهی از یک خاطره، بازگویی آن، مرور و بررسی خاطره توسط درمانگر و درنهایت بازسازی و بازنمایی خاطره در شکلی تغییر یافته (میشل، ۲۰۰۹). وقایع ناخوشایند مانند آزرده‌گی‌هایی که در خانواده مبدأ رخ می‌دهد، لازم است در همان زمان یا در طول زندگی توسط افراد مورد ارزیابی و نتیجه‌گیری مجدد واقع شوند؛ اما به لحاظ بار هیجانی منفی این رخدادها، اغلب افراد از ادغام و درنهایت یکپارچه‌سازی آن‌ها خودداری می‌کنند (راچمن، ۱۹۸۰). فرایند مرور زندگی با بازبینی و بازسازی شناختی تجارب و حوادث زندگی، درک فرد از تاریخ زندگی‌اش را گسترش می‌دهد و این امر به‌طور مستقیم بر احساسات او تأثیر می‌گذارد و منجر به بینش و درک بیشتر از خود می‌شود (اسمعیلی، ۱۳۸۹).

مرور ادبیات پژوهشی نشان‌دهنده آن است که تاکنون پژوهشی در خصوص ارائه عوامل و مؤلفه‌های آزرده‌گی‌های روانی والدین در ارتباط با فرزندان مبتنی بر مرور زندگی خانواده مبدأ صورت نگرفته است و غالب پژوهش‌های انجام‌شده به بررسی انتقال بین‌نسلی پدیده‌های گوناگون پرداخته‌اند و یا درمان مرور زندگی در بخش‌های دیگری به کار بسته شده است. به‌عنوان مثال هاوینگا (۲۰۲۰) ضمن بررسی چگونگی انتقال بین‌نسلی افسردگی و اضطراب، بر مداخله‌ی به‌موقع و اتخاذ راهبردهای مناسب برای پیشگیری و درمان مسائل انتقال بین‌نسلی تأکید کرد. علاوه بر این مرور نظام‌مند کریستی و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که والدین با سابقه بدرفتاری ممکن است در والدگری خود دچار طیف وسیعی از مشکلات سلامت روان شوند. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که سلامت روان والدین و فرزندپروری می‌تواند تحت‌الشعاع تجارب اولیه

آن‌ها باشد. بنابراین بدرفتاری، طی فرایند انتقال بین‌نسلی می‌تواند بر روابط والد-فرزندی اثر منفی داشته باشد. پژوهشی که توسط صباغی، اسمعیلی و کلانترکوشه (۱۳۹۴) با هدف بررسی اثربخشی درمان مرور زندگی با تأکید بر اصول هستی‌شناسی اسلامی بر روابط والد-فرزندی نوجوانان انجام گرفت، بیانگر کارایی مناسب درمان مرور زندگی با گرایش هستی‌شناسی اسلامی به‌منظور درمان مشکلات روابط والد-فرزندی بوده است. درنهایت بر اساس نتیجه تحقیقات وانگ و همکاران (۲۰۱۴) از ۶۳۵ والدین دارای کودکان پیش‌دبستانی، مشخص شده است که تنبیه بدنی می‌تواند در بین نسل‌ها انتقال یابد. به‌این ترتیب، با توجه به پویایی‌های روابط والد-فرزندی در جامعه و به منظور جلوگیری از تأثیرات منفی آسیب‌های والدین بر فرزندان، مطالعه حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های آزردهی‌های روانی والدین به فرزندان مبتنی بر مرور زندگی والدین انجام شده است.

روش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی با رویکرد داده بنیاد است. جامعه مشارکت‌کننده این پژوهش از بین والدین (پدر یا مادر) ۳۵ تا ۵۰ سال دارای فرزند نوجوان (دختر و پسر در بازه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال) ساکن شهر تهران در سال ۱۴۰۰ انتخاب شدند که به‌صورت داوطلبانه در مصاحبه حاضر شدند و جلب همکاری آنان برای پژوهشگر مقدور بود. مشارکت‌کنندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نظری^۲ انتخاب شدند. در نمونه‌گیری هدفمند محقق با افرادی گفت‌وگو می‌کند که در زمینه مورد مطالعه دارای اطلاعات و شناخت مناسب باشند. این در حالی است که نمونه‌گیری نظری، از قاعده‌ی انتخاب تدریجی^۳ پیروی می‌کند. در این نوع نمونه‌گیری محقق از رویدادها، افراد یا واحدها بر مبنای سهم بالقوه آن‌ها در توسعه و آزمون سازه‌های نظری نمونه‌گیری می‌کند و این فرایند تا زمانی ادامه می‌یابد که محقق به مرحله اشباع داده‌ها می‌رسد. بر این اساس، در این پژوهش پس از انجام ۱۸ مصاحبه، اشباع داده‌ها حاصل شد.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین رهیافت‌های مختلف نظریه‌سازی داده بنیاد، از رهیافت گلیزری بهره گرفته شد. به‌طور کلی به نظر می‌رسد که رویکرد گلیزری، نسبت به سایر رویکردها، بیشتر با مفاهیم نظریه داده بنیاد، همخوانی دارد (روپسینه و پرانسکونینه، ۲۰۱۰) چرا که در روش گلیزری معتقدند اگر محقق با پیش فرضی در مورد ارتباط داده‌ها وارد شود، آنچه واقعاً داده‌ها انجام می‌دهند را کشف نمی‌کند. در رویکرد گلیزری محقق نیاز دارد مدت‌زمان

^۱. purposive sampling

^۲. Theoretical sampling

^۳. Gradual selection

طولانی در محیط پژوهش بماند تا بتواند نگرانی اصلی مشارکت‌کنندگان را شناسایی کند (گلیزر، ۲۰۱۰)؛ به طوری که به مقوله محوری یا فرایندی که پاسخ مشکل را به تصویر می‌کشد، اجازه ظهور داده شود (فیلیپس، ۲۰۱۸). لذا با توجه به نبود اطلاعات لازم در یک قالب منسجم برای ادراک پدیده آزرده‌گی و تأکید بر درک عمیق، جزئیات و پیچیدگی‌ها در تحلیل داده‌های کیفی محقق از طریق مصاحبه با هدف کشف مؤلفه‌های آزرده‌گی روانی به بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده پرداخت.

روش اجرا

برای دستیابی به مؤلفه‌های آزرده‌گی‌های روانی، پژوهشگر پس از تصویب طرح پژوهشی خود در شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی در دانشگاه علامه طباطبائی به خانواده‌های داوطلب مراجعه کرد و پس از ارزیابی اولیه با آن‌ها مصاحبه‌ی عمیق و نیمه ساختاریافته در ارتباط با مؤلفه‌های آزرده‌گی‌های روانی والدین را انجام داد. پژوهشگر در ابتدا سؤالات مرتبط را به صورت کلی مطرح کرد و سؤالات اکتشافی در ادامه مورد استفاده قرار گرفت. بدین معنی که سؤالات کلی با توجه به رابطه والد-فرزند شروع و در ادامه به بررسی خاطرات والد در خانواده مبدأ پرداخته و تجارب آن‌ها بازبینی شد و ارتباط بین تعارضات گذشته و اکنون مورد بررسی قرار گرفت. سپس فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها با پیاده‌سازی اولین مصاحبه بر روی کاغذ آغاز شد. از آنجا که جمع‌آوری داده و کدگذاری باز، هم‌زمان اتفاق می‌افتد، پس از اتمام اولین مصاحبه، فرایند کدگذاری آغاز و تحلیل روش مقایسه مستمر اجرا شد. این مرحله تا شناسایی مقوله اصلی ادامه یافت. زمانی که مقوله محوری پدیدار شد، کدگذاری انتخابی آغاز و مصاحبه‌های بعدی در جهت مقوله محوری، کدگذاری گردید. در نهایت یکی از کدهای باز به عنوان مقوله اصلی انتخاب شد. فرایند انجام مصاحبه و تجزیه و تحلیل داده‌ها تا دستیابی به مؤلفه‌های آزرده‌گی‌های روانی از طریق ارتباط مفاهیم و مرتب‌سازی در کدهای نظری ادامه پیدا کرد.

به منظور اعتباریابی مؤلفه‌های اصلی پژوهش از چهار معیار جداگانه گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) استفاده شد (محمودپور، ۱۳۹۲). در این پژوهش تعامل بین پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان، درگیری طولانی مدت با موضوع و بازبینی توسط متخصصین به باورپذیری داده‌ها کمک کرد. تاییدپذیری یافته‌ها از طریق ثبت داده‌ها و توافق بر کدها صورت گرفت. اطمینان‌پذیری یافته‌ها با ثبت نقل‌قولی که دقیقاً همانند سخن مشارکت‌کنندگان بود، کدگذاری و استفاده از نظرات

1. Open Coding

2. Selective coding

3. Theoretical coding

اساتید فراهم گردید. به‌منظور افزایش قابلیت انتقال‌پذیری به سایر موقعیت‌ها، سعی شد از لایه‌های مختلف جمعیتی و آزمودنی‌های متعلق به طبقات متنوع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر تهران استفاده شود. ملاحظات اخلاقی در این پژوهش شامل توضیح مناسب در مورد پژوهش، هدف آن و اخذ رضایت آگاهانه کتبی از تمامی مشارکت‌کنندگان، ایجاد اطمینان نسبت به محرمانه ماندن هویت آن‌ها، حق انصراف از شرکت در مطالعه در هر مقطعی از تحقیق، محترم شمردن ارزش‌های فرهنگی و در صورت تمایل آگاهی از نتایج پژوهش بود.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۸ نفر بودند که با در نظر گرفتن معیارهایی از قبیل تحصیلات، جنسیت، سن، تعداد فرزندان و جایگاه همشیرها وارد پژوهش شدند. مشخصات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	سطوح	تعداد	درصد فراوانی
تحصیلات	دیپلم	۸	۴۴/۵
	لیسانس	۴	۲۲/۲
	ارشد	۴	۲۲/۲
	دکتری	۱	۵/۵
	حوزوی	۱	۵/۵
سن	۳۰-۴۰	۸	۴۴/۵
	۴۰-۵۰	۱۰	۵۵/۵
تعداد فرزند	تک‌فرزند	۱	۵/۵
	دو فرزند	۱۳	۲۷/۲
	سه فرزند	۴	۱۶/۶
جنسیت	مؤنث	۱۸	۱۰۰

در پژوهش حاضر، بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌شوندگان، مؤلفه‌های آزردهی‌های روانی شناسایی، بررسی و کدگذاری شده است. به‌طور خلاصه نتایج به‌دست‌آمده از طبقه‌بندی داده‌ها به‌صورت کدهای باز، انتخابی و نظری در جدول شماره ۲ مشخص شده و در ادامه، مقوله‌بندی داده‌ها بر اساس اظهارات شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول ۲. مؤلفه‌های آزرده‌گی‌های روانی والدین

کد نظری	کد انتخابی	کدهای باز
آزرده‌گی‌های ناشی از فضای ارتباطی	فضای عاطفی نامناسب	سردی عاطفی والدین، عدم صمیمیت بین کودک والد
	عدم حمایت عاطفی	انتقال احساسات منفی به فرزند، محبت و حمایت مشروط
	عدم دسترس‌پذیری	عدم اختصاص وقت والدین برای فرزند، حضور ناکافی والدین در خانه
	عدم انسجام خانوادگی	نبود صمیمیت بین والدین، وجود تعارض والدینی، دخالت اطرافیان در خانواده، اختلاف والدین در شیوه‌های تربیتی
آزرده‌گی‌های ناشی از تعاملات	ارتباط عاطفی نامناسب	گوش دادن با قضاوت از سمت والدین، عدم همدلی والدین با فرزند، سرکوبی احساسات از سوی والدین، عدم پذیرش فرزندان، عدم درک دنیای ذهنی و نیاز فرزند
	سوء رفتار کلامی	تمسخر از سوی والدین، تحقیر از سوی والدین، طعنه / کنایه، سرزنش، توهین و ناسزاگویی، انتقاد مخرب، منت گذاشتن
	سوء رفتار جسمی	تهدید و ارباب، پرت کردن اشیاء، تنبیه بدنی شدید، تنبیه بدون توضیح، عدم خویشتن‌داری در تنبیه بدنی
	مسئولیت خواهی افراطی	تحمیل مسئولیت زود هنگام از سوی والدین، عدم در نظر گرفتن توان و جنسیت فرزند در تفویض مسئولیت، توقع بالا از فرزندان، انتظار رفتارهای بزرگ‌تر از مرحله رشدی از فرزند
آزرده‌گی‌های ناشی از شیوه تربیتی	عدم احترام به خودمختاری و فردیت افراد	عدم احترام به نظرات فرزندان، اجبار یا سلب اختیار، عدم اعتماد به فرزند، عدم انتقاد‌پذیری، تحت فشار قرار دادن فرزند و تحمیل خواسته، القای اهداف نرسیده خود به فرزندان، ندادن حق انتخاب به فرزند، انتظار اطاعت بی‌چون‌وچرا
	نظارت نامناسب	عدم رعایت حریم خصوصی فرزند، کنترل افراطی، عدم نظارت بر دوست‌ها و همبازی‌ها

عدم توجه به تربیت جنسی	عدم آگاهی والدین و غفلت آن‌ها در خصوص تربیت جنسی، عدم توجه به اختلاط با جنس مخالف، تجربه رویداد آسیب جنسی
هنجار گذاری نامتناسب	عدم توجه به سن کودک در وضع قوانین، قوانین سخت‌گیرانه، نصیحت و تذکر مداوم، ایجاد محدودیت در روابط اجتماعی، محدودیت شدید، عدم قاطعیت در اجرای قوانین
فرزندپروری منفی	دوگانگی در رفتار والدین، رفتارهای فرزندپروری بدون قاعده، عدم توجه به تفاوت نسلی، مقایسه منفی از سوی والدین، ایجاد احساس گناه، عدم قدردانی از فرزند
آزردگی‌های ناشی از موقعیت معیشتی	فقر و محرومیت مالی، کمبود امکانات مادی
	بی‌توجهی به نیازهای مادی فرزندان

پژوهش حاضر نشان داد آزرده‌گی‌های تجربه‌شده توسط والدین ذیل چهار کد نظری اصلی جای گرفتند. هریک از این کدهای نظری خود دربردارنده چند کد انتخابی هستند که در ادامه به تفصیل به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱- آزرده‌گی‌های ناشی از فضای ارتباطی

آزرده‌گی، وضعیت روانی ناخوشایندی است که احساسات نامطلوبی به همراه دارد (موهر و همکاران، ۲۰۰۶). ارتباط نیز به معنای مبادله پیام بین دو نفر است و فضای ارتباطی، به فضایی اطلاق می‌شود که پیام‌ها در آن جاری می‌شوند. گاه این اتمسفر که بایستی عاری از هرگونه آلودگی به‌منظور ارسال و دریافت صحیح پیام باشد، دچار نواقصی می‌گردد که می‌تواند باعث آسیب به طرفین شود. در این قسمت به‌منظور روشن‌سازی آزرده‌گی‌های ناشی از فضای ارتباطی مبتنی بر کدهای مستخرج از مصاحبه، درون‌مایه‌های فضای عاطفی نامناسب، عدم حمایت عاطفی، عدم انسجام خانوادگی و عدم دسترس‌پذیری به دست آمد.

۱-۱- فضای عاطفی نامناسب

خانواده نقش مهمی در شکل‌گیری عادات، شخصیت و تکامل شناختی ایفا می‌کند (وندرمایدر و

همکاران، ۲۰۱۹). هراندازه رابطه عاطفی والدین و فرزندان عمیق‌تر باشد، آسیب‌های روانی فرزندان کمتر خواهد شد. از جمله عواملی که می‌تواند موجب به وجود آمدن فضای عاطفی نامناسب شود، سردی عاطفی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفت: «رابطه ما اونقدر گرم و عاطفی و صمیمی نبود. به حالت خاصی بود که احساسات کسی مهم نبود برای بقیه». عدم صمیمیت بین کودک و والد نیز از عواملی است که می‌تواند این فضای نامناسب را تشدید کند: «اونقدری صمیمیت بین ما نبود؛ یعنی اون چیزی که تصور کنین ما رابطه دوستانه و عاطفی داشته باشیم».

۲-۱- عدم حمایت عاطفی

عدم دریافت حمایت عاطفی برای فرزندان موجب آسیب‌های روان‌شناختی می‌شود (شاو و همکاران، ۲۰۰۴). انتقال احساسات منفی به فرزند: «نمیدونم ما چکاره بودیم که هر ناراحتی داشتند باید به جوری به ما هم می‌دادند. کلاً هر اعصاب خوردی پیش می‌ومد امکان نداشت بچوری ما رو هم شریک نکنند» و محبت و حمایت مشروط: «این حس به هم دست می‌داد که تا وقتی به حرف‌ها و دستورات شون گوش بدم دختر خوبی‌ام و دوست‌داشتنی‌ام» از جمله نمونه‌های عدم حمایت عاطفی هستند؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که در آزرده‌گی‌های ناشی از فضای ارتباطی، انتقال احساسات منفی از والدین به فرزندان و رفتارهای مشابه با آن بیان‌کننده محدودیت چتر حمایت عاطفی در خانواده از سوی والدین است.

۳-۱- عدم دسترس‌پذیری

حضور فیزیکی در خانه و گذراندن اوقات باکیفیت با فرزندان از شروط بهره‌مند شدن آنان از یک تربیت سالم است. عدم اختصاص وقت والدین برای فرزندان: «ینی که می‌گم بیشتر منظوم بابامه تا مادرم. خب به خاطر تعداد بچه‌های زیادی که بودیم و نوع کاری که داشت، اینکه بخواد وقتی رو برای بازی یا هر چیز دیگه ای بذاره اصلاً نبود چنین چیزی.» و حضور ناکافی در خانه: «پدرم چوپایان بود. خب بعد از اذان صبح می‌رفت و قبل از اذان مغرب برمی‌گشت. کی فرصت می‌کرد خونه باشه و برای ما وقت بذاره؟» فرزندان را به این نتیجه می‌رساند که والدین در مواقع نیاز در کنارشان حضور نداشته و وقت کافی به آن‌ها اختصاص نمی‌دهند.

۴-۱- عدم انسجام خانوادگی

منظور از انسجام، تعاملات مثبت و سالم اعضای خانواده است و میزان انسجام خانواده با مؤلفه‌های مخصوص سنجیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، نبود صمیمیت بین والدین: «پدر و مادر من بخاطر n تا دلیل، اصلاً باهم صمیمی نبودند. بیشتر همدیگه رو تحمل می‌کردند تا عاشق هم باشند»، وجود تعارض والدینی: «من توی محیطی بزرگ شدم که انواع و اقسام جروبحث‌ها و

کنک‌کاری‌ها رو بین مامان و بابام تجربه کردم»، دخالت اطرافیان در خانواده: «چیزی که خیلی خیلی اذیتم می‌کرد این بود که هرکسی به خودش جرات می‌داد توی امورات ما حتی شخصی، دخالت کنه؛ یعنی توی هر تصمیمی که ما داشتیم، الی ماشالله صاحب‌نظر پیدا می‌شد.» و اختلاف والدین در شیوه‌های تربیتی: «حرفشون توی مسائل یکی نبود؛ یعنی اون میگفت یجور لباس بپوشون به بچه، اون یکی چیز دیگه می‌گفت و هیچ‌وقت هم درست نشد.» نشان‌دهنده این مطلب هستند که خانواده از انسجام کافی برخوردار نیست و تمامیت آن در معرض تهدید است.

آزردگی‌های ناشی از تعاملات

بر اساس نظریهٔ دل‌بستگی، تجربهٔ توجه سوءاستفاده‌گرایانه در فرزندان باعث توسعهٔ نمودهای منفی افراد مراقب خود و نمودهای منفی متناظر خود شده و این نمودهای منفی از خود و دیگران بر رفتارهای افراد مراقب تأثیر می‌گذارد و به احتمال زیاد افرادی که در کودکی مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند، رفتارهای سوءاستفاده‌گرایانه نسبت به دیگران از جمله فرزندان خود در آینده نشان می‌دهند. مقوله‌ی آزردگی‌های ناشی از تعاملات، شامل ارتباط عاطفی نامناسب، سوءرفتار کلامی و سوءرفتار جسمانی است.

۱-۲- ارتباط عاطفی نامناسب

در صورت عدم تأمین امنیت روانی فرزندان در نتیجهٔ ارتباط عاطفی نامناسب والدین، آزردگی‌های جبران‌ناپذیری رخ خواهد داد. مصاحبه‌شوندگان از عدم درک دنیای ذهنی و نیازهایشان توسط والدین ناراضی بودند: «من چون فرزند آخر هستم شاید این‌رو بیشتر حس کردم که خیلی درک نمی‌کردند یه بچه چه نیازهایی داره و اصلاً دنیاش چه جوریه.»، از برخی رفتارهای والدین عدم پذیرش خود را برداشت می‌کردند: «حس می‌کردم خیلی من رو نمی‌خوان؛ یعنی چجوری بگم اون جوریه که باید و شاید از وجود من خوشحال نبودند.» و سرکوبی احساسات را از نتایج برقرار نشدن این ارتباط عاطفی می‌دانستند: «هیچ‌وقت بهم اجازه ندادن من راحت حسم رو باهاشون درمیون بنارم و همش از ترس اون احساساتم رو سرکوب کردم». از جمله عواملی که به شکل نگرفتن ارتباط عاطفی کمک می‌کنند گوش دادن با قضاوت به فرزندان: «هیچ وقت نشد بشینن حرفهای من رو گوش کنند. منم دیگه بهشون نگفتم چون مطمئن بودم یه چیزی تهش درمیارن از حرفام که بازم بخوان متهم کنند.» و همدلی نکردن با آن‌هاست: «پنکه سعی کنند حرف‌های من و فضای ذهنی من رو درک کنند نه. من همچین چیزی رو تجربه نکردم، بیشتر از جایگاه خودشون نگاه می‌کردند.»

۲-۲- سوء رفتار کلامی

آزرده‌گی‌های ناشی از سوء رفتار کلامی به مراتب عمیق‌تر آزرده‌گی‌های ناشی از تنبیه بدنی است. مطالعات نشان می‌دهد سوء رفتار کلامی در دوران کودکی با خطر افزایش اختلالات روان‌شناختی در دوران بزرگسالی همراه است (جانسون و همکاران، ۲۰۰۱). به‌عنوان نمونه مصاحبه‌شوندگان از منت گذاشتن والدین: «خیلی دوست داشتم به روزی بهشون می‌گفتم که آدم اگر کاری برای بچه‌اش می‌کنه دیگه منت نداره. وظیفه شه به‌عنوان پدر و مادر یک سری چیزها رو براش فراهم کنه»، انتقاد مخرب: «نقد ازم انتقاد می‌کردند که خودم رو به آدم بی ارزش و بدرد نخور می‌دونستم. کلاً خوبی هام رو هیچوقت نمی‌دیدند ولی بدی‌ها رو به رخم می‌کشیدند»، توهین و ناسزا گفتن آن‌ها: «کلاً الفاظ خوبی پدرم و گاهی هم مادرم توی خونه به کار نمی‌بردند؛ یعنی به سری از عبارات‌های نامناسب اصلاً جزو همیشگی حرف‌هاشون بود»، سرزنش‌های والدین: «چیزی که بیشتر از همه یادم مونده اون سرکوفت زدن‌ها برای چیزهای کم‌اهمیت بود؛ مثلاً بخاطر یه اشتباه کوچیک توی درس یا آشپزی یا هرچیزی کلی سرکوفت باید می‌شنیدم»، کنایه: «گاهی هم پیش می‌اومد که مثلاً بخواد با طعنه و متلک چیزی رو به هم بگه و من کلاً از این رفتار بدم میاد؛ یعنی طرف حرفشو پوست کنده نزنه ناراحت می‌شم»، تحقیر: «یه بار بابام صدام زد. منم با هزار شوق و ذوق رفتم سمتش. اونم به سکه خیلی خیلی کم ارزش رو توی جمع به هم داد. اون لحظه واقعاً آب شدم از خجالت و کوچیک شدم.» و تمسخر: «من بچگی هام خیلی از تاریکی و تنهایی می‌ترسیدم؛ و باید مثلاً چراغ روشن می‌موند یا بغل پدر و مادرم می‌خوابیدم. بخاطر همین ترسم چندین مرتبه مسخره شدم». به‌عنوان آزرده‌گی‌هایی یاد می‌کنند که مسبب آن نوعی خشونت کلامی بوده که از والدین سر زده است.

۲-۳- سوء رفتار جسمی

سوء رفتار جسمی به قرار گرفتن کودک در معرض انضباط افراطی، خشم‌ها و محرومیت‌های متناوب که اغلب منجر به آسیب‌های شدید جسمی می‌شود، اطلاق می‌گردد (دابیتز و بنت، ۲۰۰۷). مصاحبه‌شوندگان به زوایای گوناگونی نسبت به این بعد آزرده‌گی اشاره کرده‌اند. تهدید و ارعاب والدین به‌عنوان بازدارنده‌ای که احساسات فرزندان را جریحه‌دار می‌کند: «خوب نیست بچه از پدر و مادرش ترس داشته باشه. باید اونا بهش آرامش بدن؛ اما برای ما اینطوری بود که همیشه تهدید می‌شدیم که اگر فلان کار رو کنیم تنبیه می‌شیم.» آسیب روانی شدیدی را به فرزندان تحمیل می‌نماید. از سوی دیگر، انواع تنبیه بدنی مانند پرت کردن اشیا: «چیزی که باعث می‌شد خیلی ازش بترسم همون داد زدن و پرت کردن وسایل خونه یا شکوندنشون بود»، تنبیه‌های بدنی شدید: «یه موقع‌هایی هم می‌شد تنبیه می‌شدیم بدون اینکه واقعاً دلایلش رو متوجه بشیم؛

مثلاً به چیزهایی که اصلاً هیچ ربطی به ما نداشت و سر ما خالی می‌شد.» و عدم خویشتن‌داری در اجرای تنبیه: «پدرم اگر واقعاً قصد تنبیه داشت دیگه هیچی جلودارش نبود. یادم میاد من و برادرم رو با چوب کلی زد و شب هم توی اتاق تاریک تا صبح به خودمون لرزیدیم. اصلاً نفهمیدیم چطوری صبح شد.» موجب آسیب‌های جسمانی می‌شود.

۳- آزردهی‌های ناشی از شیوه‌های تربیتی

شیوه‌های تربیتی بیانگر چگونگی ارتباط کلی والدین با فرزندان است، (بامریند، ۱۹۶۸). هرگونه بی‌توجهی، ناهماهنگی در تربیت، تبعیض و مسائلی از این دست سبب رنجش خاطر فرزندان شده و تأثیرات مخربی برجای می‌گذارد. مقوله آزردهی‌های ناشی از شیوه‌های تربیتی، شامل مسئولیت خواهی افراطی، عدم احترام به خودمختاری و فردیت افراد، نظارت نامناسب، عدم توجه به تربیت جنسی، هنجار گذاری نامتناسب و فرزندپروری منفی است.

۳-۱- مسئولیت خواهی افراطی

برخی والدین بدون ملاحظه شرایط جسمانی و روانی فرزند و شرایط محیطی، در واگذاری افراطی مسئولیت به فرزندان اقدام می‌کنند و سبب ایجاد آزردهی در آنان می‌گردند. در شرح بیشتر می‌توان اشاره کرد به تحمیل مسئولیت زود هنگام: «شاید خیلی‌ها بگن مثلاً ما رو مسئولیت‌پذیر بار می‌آوردند ولی به نظر من اصلاً اینجوری نبود. اینکه یک سری کارهای بزرگ رو به یه بچه بسپری و بهش فشار بیاری که نشد مسئولیت‌پذیری»، عدم در نظر گرفتن توان و جنسیت فرزند در تفویض مسئولیت: «مثلاً به کاری رو می‌خواستن، دیگه نمی‌گفتند این دختره یا پسر یا مثلاً چندسالشه و اصلاً می‌تونه از پشش بریاد یا نه» و یا توقع بالا از فرزندان: «کلاً پدر و مادر من یه سری باورهای ایدئال و عجیب و غریب راجع به ما یا آینده‌مون و تصمیم‌مون داشتند. همین‌ها انتظارات اونا و حتی ما رو هم بالا می‌برد و اذیت‌مون می‌کرد». انتظار رفتارهای بزرگ‌تر از مرحله رشدی نیز از دیگر نموده‌های این رفتار است: «اون موقع‌ها اصلاً خیلی توقعاتشون از بچه بالا بود. برای من اینطور بود لاف‌ل؛ مثلاً توقع داشتند من مثل یه زن ۴۰ ساله رفتار کنم و مهارت خونه‌داری داشته باشم».

۳-۲- عدم احترام به خودمختاری و فردیت افراد

اگر روش تربیتی والدین، منجر به نادیده گرفتن نیازهای فرزندان شود، گونه‌ای از آزردهی برای فرزندان قابل پیش‌بینی است. این نوع آزردهی، گاهی به دلیل عدم احترام به نظرات فرزندان است: «حالا هرچی بود که اصلاً نظرات ما رو حساب نمی‌کردند و فقط کار خودشون رو جلو می‌بردند. اینجوری نبود که اگر نظری بدیم دلمون خوش باشه بهش توجه می‌کنند»، گاهی به سبب انتظار اطاعت بی‌چون و چرا از جانب فرزندان: «از نظر پدر و مادر من بچه خوب یعنی بچه

بله قربان و چشم قربان بود؛ یعنی مثل یه برده انتظار داشتند هر چیزی که می‌گن رو مو به مو بدون اعتراض انجام بدی.» و گاهی به دلیل قائل نشدن حق انتخاب برای آنان: «خیلی از کوچیکی یادم نیست اما خب بحث انتخاب رشته و در ادامه انتخاب همسر خیلی برام سخت بود چون خودم توی انتخاب‌شون هیچ نقشی نداشتم». همچنین تحمیل خواسته‌های خود به فرزندان: «خیلی به درس خوندن یا ازدواج کردن بها می‌دادند. اونقدری که فشار و استرس زیادی رو من ایجاد می‌کرد مثلاً اون موقع مثلاً یادمه سر ازدواجم چقدر داستان داشتم»، عدم انتقادپذیری والدین: «اون موقع‌ها اصلاً توقع نمی‌شد داشت بشینی باهاشون حرف بزنی و مسالمت‌آمیز حل بشه. هیچوقت هم قبول نمی‌کردند که بابا یه جای کار می‌کنه»، عدم اعتماد کامل به فرزندان: «کلاً اونقدری که پدر و مادر من به بچه‌های دیگه اعتماد داشتند، به خود من نداشتم، در صورتی که همیشه سعی می‌کردم کارهام رو به بهترین شکل ممکن انجام بدم»، القای اهداف نرسیده‌ی خود به فرزندان: «مثلاً توی زمینه انتخاب رشته یا ازدواج، قشنگ حس می‌کردم که دقیقاً به همون چیزهایی من رو دارن هدایت می‌کنند که آرزوی خودشون بوده اما نتونستن بهش برسن. حتی اگر مورد علاقه خود من هم نباشه» و سلب اختیار از فرزندان: «ونا اسمش رو میداشتن صلاح دونستن، ولی خروجیش برای من بیشتر تحمیل شدن بود؛ یعنی کارهایی رو مجبور باشی انجام بدی که نه علاقه داری و نه اصلاً منطقی می‌دونی» از دیگر عوامل ایجاد آزرده‌گی است.

۳-۳- نظارت نامناسب

نظارت والدین بر امور فرزندان، به‌ویژه در سنین کودکی و نوجوانی از شاخصه‌های اصلی شیوه‌های تربیتی والدین است. عواملی همچون عدم رعایت حریم خصوصی فرزندان: «سابق مثل الان نبود اینکه بچه برای خودش اتاق داشته باشه، حتی واو به واو صحبت هام با دوستم رو باید به مادرم می‌گفتم»، کنترل افراطی والدین: «پدرم و همین‌طور برادرهام دیگه خارج از تعادل ما رو تحت نظر می‌گرفتند» و در مقابل عدم نظارت والدین بر دوست‌ها و همبازی‌های فرزندان: «بچگی‌های ما همه همبازی‌ها قاطی بودن. هم به لحاظ جنسیت و هم سن؛ یعنی مثلاً من ۸ سالم بود پسر ۱۲ ساله و حتی بالاتر با ما همبازی بود ناخواسته یک سری تجربیات بدی رو به همراه می‌آورد» از جمله آزرده‌گی‌های ناشی از شیوه تربیتی است.

۳-۴- عدم توجه به تربیت جنسی

توجه به تربیت صحیح جنسی و رعایت قوانین مربوط به این حوزه از مواردی است که می‌تواند سلامت روانی فرزندان را تا اندازه زیادی تضمین کند. عدم آگاهی والدین و غفلت آن‌ها در خصوص تربیت جنسی مانند نمونه‌ای که یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «من با دغدغه خودم رفتم

مطالعه کردم در مورد تربیت جنسی. همین‌که مثلاً شوخی‌های بیجا می‌کردند یا به‌زور مجبورم می‌کردند به فامیل دور بوس بدیم؛ یعنی واقعاً نمی‌دونستند آسیب‌هاش رو» و عدم توجه آن‌ها به اختلاط با جنس مخالف: «بازی‌های قدیمی که همش توی کوچه و با بچه‌های محل و فامیل خیلی تفکیک‌شده نبود. دختر و پسر با هم بازی می‌کردند و خب این توی سال‌های بعد مشکل ایجاد می‌کرد.» از عواملی بود که آزرده‌گی فرزندان را سبب شده بود.

۵-۳- هنجار گذاری نامتناسب

وضع قوانین و هنجارها یکی از مؤثرترین روش‌های تربیتی است. عدم توجه به سن کودک در وضع قوانین: «توجه نمی‌کردند که مثلاً این‌الآن بچه است یا دیگه بزرگ‌شده. یا قواعد خیلی کهنه بود یا خیلی جدید»، قوانین سخت‌گیرانه: «می‌دونم اسمش رو چی بنارم. نظم و انضباط و اینا خوبه ها، ولی اینکه افراط بشه توی قانون گذاشتن خوب نیست. مثلاً الا و بلا که حق نداری خونه دوستت بری یا اینکه بازی کنی و...»، نصیحت و تذکر مداوم: «توی خانواده ما انقدر بکن نکن و امروزه بود که آدم رو کلافه می‌کرد. هر چیزی اندازه‌ای داره به نظرم و گرنه بی‌اثر میشه.» ایجاد محدودیت در روابط اجتماعی: «دوست دارم حرف‌زدن با بقیه رو و اون موقع دوست داشتم خونه دوستانم برم در حد یه مهمونی عصرونه در حدی که لباس عوض نکنی حتی دوست داشتم برم خونسون رو ببینم.»، محدودیت شدید «کلاً برای ما حکومت‌نظامی بود دیگه. رفت‌وآمدمون، دسترسی‌مون، انتخاب‌هامون همش یه فاکتور محدودیت داشت.» همچنین عدم قاطعیت در اجرای قوانین: «پدر و مادرم رو آدم‌های خیلی محکمی ندیدم؛ خیلی پیش می‌اومد که یه چیزی رو بگن ولی بهش عمل نکنند یا مثلاً یه تنبیهی در نظر بگیرند اما اون رو انجام ندن» از جمله مواردی است که هنجار گذاری نامتناسب را نشان می‌دهد.

۶-۳- فرزندپروری منفی

مجموعه عواملی در کنار همدیگر سبب می‌شود فرزندان کدورت‌هایی نسبت به والدین پیدا کنند که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان فرزند پروری منفی بیان نمود. مواردی از قبیل دوگانگی در رفتار مانند: «خیلی وقت‌ها حرفا یا کاراشون با هم هم‌خوانی نداشت؛ مثلاً یه موقع خیلی خیلی ازت تعریف می‌کردند و هواتو داشتند و یه موقع می‌دیدید اصلاً بهت محل نمی‌دادند یا ناراحتت می‌کردند؛ یا تبعیض بین فرزندان، به‌ویژه در مواردی که فرزندان از یک پدر و مادر نباشند: «از دست پدرم ناراحتم. چون هرچی می‌تونست به اون خواهرها و برادرار خدمت می‌کرد و چون ما ناتنی بودیم، انگار باید ما هم کار می‌کردیم برای اونا. بنظرم برای پدر و مادر خوب نیست بین بچه‌هاشون فرق بنارن»، رفتارهای فرزندپروری بدون قاعده: «بیشتر هر طوری که دلشون می‌خواست و باب سلیقه‌شون بود با ما رفتار می‌کردند دیگه. خیلی قواعد و اصولی که بگم نداشت.

هر جور خودشون تشخیص می‌دادند عمل می‌کردند ولو اشتباه»، عدم توجه به تفاوت نسلی: «واقعاً نسل‌ها عوض شدن. بچه‌ها خیلی عوض شدن. الآن خود من نمی‌تونم به این تفاوت‌ها بی‌توجه باشم؛ اما اون موقع‌ها دقیقاً می‌خواستند ما هم عین خودشون رفتار کنیم و این خیلی اذیت می‌کرد»، مقایسه منفی بین فرزندان و دیگر کودکان فامیل: «من از اینکه دائم بخوام مقایسه بشم متنفرم. این هم از بچگی برام موند که همیشه با دخترخاله و عمو دایی و کی و کی مقایسه بشم و سرکوفت بشنوم». ایجاد احساس گناه در فرزندان: «مادرم دائماً از بدبختی‌هاش برای من می‌گفت و همیشه هم به سر این بدبختی‌ها به من ختم می‌شد؛ مثلاً می‌گفت اینطوری و اونطوری بزرگت کردم. منم احساس بدی به هم دست می‌داد که چرا بخاطر من اینقدر بدبختی کشیده». و عدم قدرانی از فرزندان: «بچه با چیزهای کوچیک تشویق میشه و انگیزه می‌گیره. ولی همون تشویق هم نبود. حتی کلامی نشد آزمون تشکر کنن بابت اون همه کاری که توی اون سن توی خونه انجام می‌دادیم؛ یعنی کارهامون به چشم نمیومد» از جمله عواملی است که باعث آزرده‌گی می‌شود.

۴- آزرده‌گی ناشی از موقعیت معیشتی

وضعیت معیشتی از جمله مؤلفه‌هایی است که می‌تواند باعث ایجاد آرامش روانی برای فرزندان و یا سلب آن از ایشان گردد. موارد متعددی مانند جمعیت خانواده، شغل پدر، شاغل بودن یا نبودن مادر، طبقه اجتماعی-اقتصادی و ... می‌تواند بر وضع معیشت خانواده تأثیرگذار باشد؛ اما مهم‌تر از آن نوع مدیریت والدین در این شرایط است که می‌تواند زندگی را برای کودکان مرفه یا دشوار سازد. مقوله آزرده‌گی‌های ناشی از معیشتی، شامل محرومیت از امکانات مادی و بی‌توجهی به نیازهای مادی فرزندان است.

۴-۱- محرومیت از امکانات مادی

فرزندانی که با فقر بزرگ می‌شوند آزرده‌گی از عدم دسترسی به منابع را تا مدت‌ها با خود یدک می‌کشند. به‌عنوان مثال یکی از مشارکت‌کنندگان زندگی با کمبود امکانات مادی را اگر چه همه‌گیر ولی سخت توصیف می‌کند: «فضای اون موقعاً این‌طوری بود؛ یعنی برای همه اینطوری بود. اینکه بگم هیچی نداشتیم نه ولی خب امکانات کم بود دیگه. می‌گذشت، ولی با سختی». همچنین یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان فقر والدین خود را سبب تحمل محرومیت می‌داند: «تقریباً می‌تونم بگم که توی کودکی خیلی خیلی محرومیت کشیدم. به لحاظ مالی خیلی مشکل داشتیم و جمعیت خانواده‌مون بالا بود».

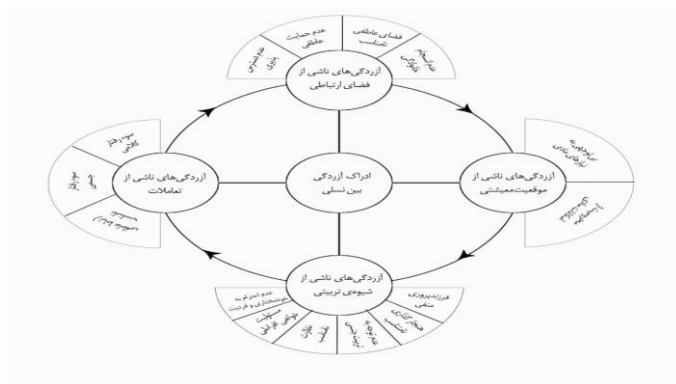
۴-۲- بی‌توجهی به نیازهای مادی فرزندان

نیازهای مادی فرزندان در دو حالت مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. گاهی با خواسته‌های معقول

آن‌ها مخالفت می‌شود مانند مصاحبه‌شونده‌ای که معتقد بود: «به موقع هست بچه چیزهای غیرمنطقی می‌خواد خب به حرفی. ولی مثلاً ما به چیز خیلی ساده رو می‌خواستیم مخالفت‌های بیخودی می‌کردند و همش دلائل الکی می‌اوردند.»

همچنین بی‌تفاوتی والدین می‌تواند نمودی از بی‌توجهی آن‌ها به نیازهای فرزندان باشد. والدین با بی‌تفاوتی خود، حس بی‌اهمیت بودن و مفید نبودن را به فرزندان القا می‌کنند. به‌عنوان نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان اذعان می‌کرد: «مادرم خیلی زحمت‌مون رو کشید خدایی. ولی پدرم خیلی بی‌تفاوت بود. اصلاً انگار نه‌انگار خانواده داره. این خانواده نیازهایی دارند. باید حواسش باشه. بیشتر بی‌کارهای خودش بود»

در شکل شماره ۱ خلاصه‌ای از مباحث مطرح‌شده به‌صورت مدل مفهومی نشان داده شده است:



شکل ۱. مدل مفهومی ادراک آزردهی روانی

با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته و تحلیل انجام‌شده انواع آزردهی در چهار مؤلفه مذکور در شکل ۱ تقسیم گردید. موضوع مورد بحث در این الگو، ارتباط پویای آزردهی‌های روانی به‌صورت توأمان است. همچنین مؤلفه‌های آزردهی در ادراک آزردهی‌های روانی به‌صورت تقدم و تأخر نقشی ندارند و به‌صورت چرخشی بر ادراک تأثیرگذار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر مرور زندگی والدین چهار مقوله آزردهی‌های ناشی از فضای ارتباطی، آزردهی‌های ناشی از تعاملات، آزردهی‌های ناشی از شیوه‌های تربیتی و آزردهی‌های ناشی از موقعیت معیشتی را به‌عنوان حیطه‌های اصلی آزردهی‌های روانی تبیین کرد. در این

مطالعه تجربیات والدین، به‌ویژه چالش‌ها از نگاه آسیب‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفت. در بررسی تجارب والدین در زمینه‌ی آزرده‌گی‌های ناشی از فضای ارتباطی، درون‌مایه‌های فضای عاطفی نامناسب، عدم حمایت عاطفی، عدم انسجام خانوادگی و عدم دسترس‌پذیری به دست آمد.

فضای ارتباطی خانواده، طرحواره‌ها یا ساختارهای دانش هستند که دنیای روابط خانواده را نشان می‌دهد و زمینه‌ای را برای تفسیر رفتارهای اعضای خانواده فراهم می‌کند (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴). بر اساس یافته‌های این پژوهش خانواده‌هایی که سطح پایین‌تری از انطباق را درک می‌کنند در مقایسه با خانواده‌هایی برخوردار از سطوح بالای سازگاری، میزان فضای ارتباطی نامناسب و آزرده‌گی ارتباطی بیشتری را تجربه می‌کنند. یافته مذکور با پژوهش کیتینگ و همکاران (۲۰۱۳) همسو است؛ طبق یافته‌های این پژوهشگران، کودکانی که از حمایت عاطفی والدین بهره‌مند هستند، توجه کافی و خودتنظیمی را نشان داده و انتظاراتی متناسب با سن دارند و در مقایسه با کودکان دارای والدین بی‌عاطفه، آزرده‌گی کمتری تجربه کردند. عدم انسجام خانوادگی نیز از دیگر مؤلفه‌های مربوط به آزرده‌گی ناشی از فضای ارتباطی است. انسجام خانواده بر طیف گسترده‌ای از رفتار فرزندان اثرگذار است (لتو و همکاران، ۲۰۱۲). منظور از انسجام، تعاملات سالم و مناسب اعضای خانواده و همچنین حمایتی است که افراد از یکدیگر دریافت می‌کنند (فیلد و داچوسلاو، ۲۰۰۹). در تأیید این یافته پژوهشی می‌توان به نتایج پژوهش لوسیا و برسلاو (۲۰۰۶) اشاره کرد که نشان دادند در خانواده‌های غیر منسجم اعضای خانواده نسبت به هم بی‌تفاوت بوده، حمایت و احترام برای همدیگر فراهم نمی‌کنند و با انتقال این سبک‌های ارتباطی، موجب می‌شوند فرزندان موقعیت‌های تعارض‌آمیز را به‌خوبی حل نکنند. همچنین عدم انسجام و آشفتگی شرایط باعث بروز انواع رفتارهای پرخطر و ضداجتماعی می‌شود.

عدم دسترس‌پذیری نیز مؤلفه دیگر مربوط به آزرده‌گی‌های ناشی از فضای ارتباطی است. دسترس‌پذیری والدین بر اساس سبک‌های دلبستگی قابل تبیین است؛ به‌طوری‌که طبق نظریه کلاسیک دلبستگی، افراد با دلبستگی ایمن در روابط عاطفی نسبت به خود و دیگران نگرش مثبت دارند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۱۰). همسو با یافته فوق، پژوهش اسوالد و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که پیامدهای روان‌شناختی مطلوب در پرتوی صرف زمان کافی در ارتباط بین والد و فرزند قابل‌دستیابی است، بنابراین در دسترس بودن والدین برای فرزند در دوران کودکی عامل پیشگیری‌کننده مهمی از ایجاد آزرده‌گی‌های روانی است. همچنین میکولینسر و شاور (۲۰۱۱) طی بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که در روابط دوسوگرا تعارضات بیشتری وجود دارد و فرزندان در اثر در دسترس نبودن والدین احساس ناامنی بیشتری در روابط بعدی تجربه می‌کنند.

با پرداختن به تجارب والدین در زمینه‌ی آزردهی‌های ناشی از تعاملات، درون‌مایه‌های ارتباط عاطفی نامناسب، سوء رفتار کلامی و سوء رفتار جسمی به دست آمد. طبق مطالعات ویرا و همکاران (۲۰۱۶) رابطه‌ی والد- فرزند با مسائل مختلف درون‌سازی شده و برون‌سازی شده در نوجوانان همبستگی منفی دارد. همسو با یافته‌ی پژوهش حاضر، اکروودیویو (۲۰۱۰) نشان داد، مادرانی که آسیب کودکی را تجربه کرده‌اند به احتمال زیاد الگوهای تعامل منفی با کودک خود را نشان می‌دهند. بدرفتاری نیز از دیگر مؤلفه‌های یافت شده در خصوص آزردهی‌های ناشی از تعاملات بود. بدرفتاری با کودک شامل انواع سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی، غفلت و مسامحه است (گراس و کلر، ۱۹۹۲) که به سلامت کودک صدمه‌ی جدی وارد می‌کند. در این پژوهش بر اساس مرور زندگی شرکت‌کنندگان، سوءرفتار جسمی و سوءرفتار عاطفی از نوع کلامی به‌عنوان درون‌مایه‌های آزردهی ناشی از تعاملات حاصل شد که این یافته همسو با پژوهش آیین و همکاران (۱۳۸۰) است. بدین ترتیب که قربانیان این نوع سوءرفتار در سنین بزرگسالی، به رفتارهای خود تخریبی یا رفتارهای ضداجتماعی روی می‌آورند. مضاف بر این، به‌عنوان والد، کودکان خود را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. همچنین نتایج تحقیقات حاکی از آن است که نه تنها انواع خاصی از مشکلات دوران کودکی مانند بد رفتاری و اختلال عملکرد در خانواده با مسائل بعدی زندگی مرتبط می‌باشد، بلکه اختلالات روانی و جسمی نیز ناشی از انتقال آزردهی‌های روانی والدین است (برایت و همکاران، ۲۰۱۶ و هاگیل و همکاران، ۲۰۱۷).

شش درون‌مایه‌ی مسئولیت‌خواهی افراطی، عدم احترام به خودمختاری و فردیت افراد، نظارت نامناسب، عدم توجه به تربیت جنسی، هنجار گذاری نامتناسب و فرزندپروری منفی، مقوله‌ی آزردهی‌های ناشی از شیوه‌ی تربیتی را تبیین می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد، والدین روش‌هایی را برای تربیت فرزندان به کار می‌گیرند که ریشه در شیوه‌ی تربیتی خودشان دارد (بامریند، ۱۹۹۱). چنانچه والدینی که در کودکی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند ممکن است مستقیماً کودکان خود را در معرض خطر جسمی قرار دهند (باکلی و همکاران، ۲۰۰۷). مطالعات انجام‌شده نیز نشان از اهمیت کارکرد خانواده در اوایل زندگی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی سلامت در دوران بزرگسالی دارد که در رابطه با بی‌توجهی به خودمختاری و فردیت افراد طبق نظریه اریکسون قابل توجه است (اریکسون، ۱۹۵۰). از دیگر زیر مؤلفه‌های آزردهی‌های تربیتی، نظارت ناکافی و فقدان نظارت خانوادگی است که می‌تواند مهم‌ترین عامل در ایجاد تعارضات روان‌شناختی باشد (جاپر، ۲۰۱۷). زیر مؤلفه‌ی دیگر در این قسمت عدم توجه به تربیت جنسی است. این موضوع غالباً به‌عنوان تابو محسوب می‌شود. در نتیجه غفلت والدین نسبت به مطرح کردن موضوع تربیت جنسی

می‌تواند به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده آزرده‌گی‌های روانی در دوران بزرگسالی محسوب شود (گلی و محمدی احمدآبادی، ۱۳۹۸).

در خانواده‌های سخت‌گیر توزیع قدرت، هسته‌ای محور است به این معنا که یک عضو ناظر مسئولیت‌های سایر اعضا را تعیین می‌کند. بدیهی است تحمیل مسئولیت‌ها به دیگر اعضا و اعمال فشار برای انجام آن می‌تواند باعث ایجاد آزرده‌گی روانی شود. چنانچه یافته‌های حاصل در پژوهش دیگر (دلآوری پورپاریزی و همکاران، ۱۳۸۹) مشخص کرده است که روش‌های تربیتی سخت‌گیرانه منتج به آثار نامطلوبی در بزرگسالی می‌شود. زیر مؤلفه دیگر در این قسمت مسئولیت خواهی افراطی است. یکی از عوامل مسئولیت خواهی والدین، تلاش افراطی آن‌ها برای انجام وظایف بدون نقص است که این خصیصه شخصیتی کمال‌گرایی نامیده می‌شود. والدین کمال‌گرا، مسئولیت‌های نامتناسب به فرزندان تحمیل کرده که در نتیجه باعث ایجاد آزرده‌گی روانی فرزندان می‌شوند. در تأیید نتایج مورد بحث، نتایج پژوهش لیلی و همکاران (۲۰۲۰) و احمدی و نصرالهی (۱۳۹۷) نشان داد که باورهای غیرمنطقی والدین می‌تواند پیامدهای مخربی در ارتباط با سلامت روان‌شناختی داشته باشد.

در طی ارزیابی آزرده‌گی‌های ناشی از موقعیت معیشتی، درون‌مایه‌های محرومیت از امکانات مادی و بی‌توجهی به نیازهای مادی فرزندان به دست آمد. تحقیقات مؤید این موضوع هستند که بین فقر و مشکلات مالی در کودکی و تجربه تنش در بزرگسالی، رابطه معناداری وجود دارد (چوی و همکاران، ۲۰۱۹). در این پژوهش، همانند دو پژوهش ذکر شده آزرده‌گی‌های ناشی از موقعیت معیشتی در خانواده مبدأ نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری آزرده‌گی‌های روانی والدین دارد.

به‌طور کلی، با توجه به یافته‌ها می‌توان این‌گونه استنباط کرد رابطه بین مؤلفه‌های آزرده‌گی روانی در فرایند ادراک آزرده‌گی به صورت چرخشی و توأمان است؛ یعنی هر یک از مؤلفه‌ها به صورت واحد و همچنین در یک ارتباط مشترک با سایر مؤلفه‌ها، می‌توانند بر ادراک آزرده‌گی توسط فرزندان اثرگذار باشند. در تبیین نحوه انتقال بین‌نسلی آزرده‌گی لازم به ذکر است والدینی که متأثر از آزرده‌گی‌های روابط بین‌فردی اولیه شده‌اند، ممکن است به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در فرایند انتقال آزرده‌گی عمل کنند. حالت مستقیم زمانی است که بین آزرده‌گی تجربه شده در خانواده مبدأ و آزرده‌گی منتقل شده در خانواده فعلی فرد رابطه مستقیم برقرار باشد و حالت غیر مستقیم زمانی است که بین آزرده‌گی منتقل شده رابطه معکوس برقرار باشد. از سوی دیگر والدین می‌توانند به شکل خودآگاه و یا ناخودآگاه تجربیاتشان را به روابط والد-فرزندی منتقل کنند. بنابراین عدم آگاهی و فقدان مهارت‌های لازم در خصوص فرزندپروری، یکی از مهم‌ترین عوامل

انتقال برای آزرده‌گی‌ها بوده و لازمه شکستن چرخه انتقال بین نسلی آزرده‌گی‌ها، مداخله‌ای هدفمند و مؤثر مبتنی بر دو مؤلفه ذکر شده است.

در انجام پژوهش حاضر، محدودیت‌هایی وجود داشت که از جمله آن‌ها، عدم مشارکت پدر خانواده است که سبب می‌شود برخی از زوایای مربوط به پژوهش پنهان بماند، لذا پیشنهاد می‌شود برای روشن شدن سهم پدر در انتقال آزرده‌گی‌های روانی پژوهشی به بررسی نقش آنان نیز بپردازد. همچنین با توجه به یافته‌ها، توصیه می‌شود مؤلفه‌های پیشگیری از انتقال آزرده‌گی‌های روانی در بسته‌های آموزشی در آموزش‌های پیش از فرزندآوری برای والدین، جزئی از برنامه آموزش خانواده باشد.

موازین اخلاقی

اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش نیز شامل رازداری و اطمینان دادن در ارتباط با محرمانه ماندن تمامی مطالب نقل شده، رضایت آگاهانه از مصاحبه‌شوندگان، احترام به انتخاب مصاحبه‌شوندگان برای حضور یا ترک پژوهش و در صورت تمایل آگاهی از نتایج پژوهش بود.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول محقق اصلی این پژوهش است. نویسنده دوم و سوم اساتید راهنما و نویسنده چهارم استاد مشاور رساله می‌باشند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ تضاد منافی در رابطه با این پژوهش اعلام نمی‌نمایند.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از شرکت‌کنندگان که در انجام این پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "تدوین و اعتباریابی الگوی پیشگیری از انتقال آزرده‌گی‌های روانی والدین به فرزندان مبتنی بر مرور زندگی والدین و اثربخشی آن بر رابطه با والدین" در دانشگاه علامه طباطبائی (ره) - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی سال ۱۴۰۰ است.

منابع

- احمدی، فاطمه، و نصرالهی، بیتا. (۱۳۹۷). پیش بینی طرحواره معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی بر اساس باورهای غیرمنطقی والدین و الگوهای ارتباطی والد-فرزند. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۲(۴)، ۶۱۶-۵۹۵. [پیوند](#)
- اسمعیلی، معصومه. (۱۳۸۹). مطالعه اثربخشی درمان مرور زندگی با تأکید بر اصول هستی‌شناسی اسلامی بر کاهش نشانگان اختلال استرس پس از سانحه. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱(۲)، ۱۹-۱. [پیوند](#)
- آئین، فرشته، دریس، فاطمه، و ناهید، شاهقلیان. (۱۳۸۰). بررسی اشکال مختلف سوء رفتار با کودک و برخی عوامل مستعدکننده آن در خانواده‌های مراجعه‌کننده به بیمارستان‌ها و کلینیک‌های آموزشی شهرکرد سال ۱۳۷۸. *نشریه پرستاری ایران*، ۱۴(۲۸)، ۵۴-۴۷. [پیوند](#)
- دلآوری پورپاریزی، محبوبه، و صفورایی پاریزی، محمدمهدی. (۱۳۸۹). شیوه‌های تربیت فرزندان. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۷(۳)، ۴۰-۱۳. [پیوند](#)
- صبغی، حمیرا، اسمعیلی، معصومه، و سیدمحمد، کلاتر کوشه. (۱۳۹۴). مطالعه اثربخشی درمان مرور زندگی با گرایش هستی‌شناسی اسلامی بر روابط والد-فرزند نوجوانان. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۳(۲۶)، ۱۶۳-۱۳۹. [پیوند](#)
- علوی لواسانی، اکرم السادات، و احمدی طهورسلطانی، محسن. (۱۳۹۶). همبستگی بدرفتاری در کودکی با طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان. *مدیریت ارتقای سلامت*، ۷(۲)، ۵۷-۴۹. [پیوند](#)
- قائم‌پور، زینب، اسماعیلیان، مرضیه، و مهدی رضا، سرافراز. (۱۳۹۸). تنظیم هیجان در نوجوانان: نقش پیش‌بینی‌کننده کارکرد خانواده و دلبستگی. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۴(۵۱)، ۱-۱۶. [پیوند](#)
- گلی، فاطمه، و محمدی احمدآبادی، ناصر. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش تربیت جنسی بر آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در پاسخ به سؤالات دختران. *سلامت روان کودک (روان کودک)*، ۶(۲)، ۹۲-۸۱. [پیوند](#)
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *ضد روش (زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. [پیوند](#)
- Baumrind, D. (1968). Authoritarian vs. authoritative parental control. *Adolescence*, 3(11), 255. [link](#)
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *J. Early Adolesc.* 11:56-95. [link](#)
- Bright, M. A., Knapp, C., Hinojosa, M. S., Alford, S., & Bonner, B. (2016). The comorbidity of physical, mental, and developmental conditions associated with childhood adversity: a population based study. *Maternal and Child Health Journal*, 20(4), 843-853. [link](#)
- Buckley, H., Holt, S., & Whelan, S. (2007). Listen to me! Children's experiences of domestic violence. *Child Abuse Review: Journal of the*

- British Association for the Study and Prevention of Child Abuse and Neglect, 16(5), 296-310. [\[link\]](#)
- Butler, R. N. (1963). The life review: An interpretation of reminiscence in the aged. *Psychiatry*, 26(1), 65-76. [\[link\]](#)
- Branje, S. (2018). Development of parent-adolescent relationships: Conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives*, 12(3), 171-176. [\[link\]](#)
- Chamberlain, C., Gee, G., Harfield, S., Campbell, S., Brennan, S., Clark, Y., ... & 'Healing the Past by Nurturing the Future' group. (2019). Parenting after a history of childhood maltreatment: A scoping review and map of evidence in the perinatal period. *PloS one*, 14(3), e0213460 [\[link\]](#).
- Choi, J. K., Wang, D., & Jackson, A. P. (2019). Adverse experiences in early childhood and their longitudinal impact on later behavioral problems of children living in poverty. *Child abuse & neglect*, 98, 104181. [\[link\]](#)
- Christie, H., Talmon, A., Schäfer, S. K., De Haan, A., Vang, M. L., Haag, K., ... & Brown, E. (2017). The transition to parenthood following a history of childhood maltreatment: a review of the literature on prospective and new parents' experiences. *European journal of psychotraumatology*, 8(sup7), 1492834. [\[link\]](#)
- Cross, D., Vance, L. A., Kim, Y. J., Ruchard, A. L., Fox, N., Jovanovic, T., & Bradley, B. (2018). Trauma exposure, PTSD, and parenting in a community sample of low-income, predominantly African American mothers and children. *Psychological trauma: theory, research, practice, and policy*, 10(3), 327. [\[link\]](#)
- Dubowitz, H., & Bennett, S. (2007). Physical abuse and neglect of children. *The Lancet*, 369(9576), 1891-1899. [\[link\]](#)
- Dugal, C., Bigras, N., Godbout, N., & Bélanger, C. (2016). Childhood interpersonal trauma and its repercussions in adulthood: An analysis of psychological and interpersonal sequelae. *IntechOpen*. [\[link\]](#)
- Erikson, E. H. (1950). *Childhood and society*, New York (WW Norton) 1950. [\[link\]](#)
- Field, C., & Duchoslav, R. (2009). Family influence on adolescent treatment outcomes. In *Behavioral approaches to chronic disease in adolescence* (pp. 47-54). Springer, New York, NY. [\[link\]](#)
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20(3), 275-301. [\[link\]](#)
- Glaser, B. G. (2010). The future of grounded theory. *Grounded Theory Review*, 9(2), 1-14. [\[link\]](#)

- Gross, A. B., & Keller, H. R. (1992). Long-term consequences of childhood physical and psychological maltreatment. *Aggressive behavior*, 18(3), 171-185. [\[link\]](#)
- Havinga, P. (2020). Breaking the cycle?: intergenerational transmission of depression/anxiety and opportunities for intervention (Doctoral dissertation, Rijksuniversiteit Groningen). [\[link\]](#)
- Hübner, G., Pohl, J., Hoen, B., Firestone, J., Rand, J., Elliott, D., & Haac, R. (2019). Monitoring annoyance and stress effects of wind turbines on nearby residents: A comparison of US and European samples. *Environment international*, 132, 105090. [\[link\]](#)
- Hugill, M., Berry, K., & Fletcher, I. (2017). The association between historical childhood sexual abuse and later parenting stress: A systematic review. *Archives of women's mental health*, 20(2), 257-271. [\[link\]](#)
- Iyengar, U., Rajhans, P., Fonagy, P., Strathearn, L., & Kim, S. (2019). Unresolved trauma and reorganization in mothers: Attachment and neuroscience perspectives. *Frontiers in psychology*, 10, 110. [\[link\]](#)
- Japar, M. (2017). Parents' Education, Personality, and Their Children's Disruptive Behaviour. *International Journal of Instruction*, 10(3).[\[link\]](#)
- Johnson, J. G., Cohen, P., Smailes, E. M., Skodol, A. E., Brown, J., & Oldham, J. M. (2001). Childhood verbal abuse and risk for personality disorders during adolescence and early adulthood. *Comprehensive psychiatry*, 42(1), 16-23. [\[link\]](#)
- Julian, M. M., Muzik, M., & Rosenblum, K. L. (2018). Parenting in the context of trauma: Dyadic interventions for trauma-exposed parents and their young children. In *Motherhood in the Face of Trauma* (pp. 131-150). Springer, Cham. [\[link\]](#)
- Keating, D. M., Russell, J. C., Cornacchione, J., & Smith, S. W. (2013). Family communication patterns and difficult family conversations. *Journal of Applied Communication Research*, 41(2), 160-180. [\[link\]](#)
- Lehto, X. Y., Lin, Y. C., Chen, Y., & Choi, S. (2012). Family vacation activities and family cohesion. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 29(8), 835-850. [\[link\]](#)
- Lilley, C., Sirois, F., & Rowse, G. (2020). A meta-analysis of parental multidimensional perfectionism and child psychological outcomes. *Personality and Individual Differences*, 162, 110015. [\[link\]](#)
- Lucia, V. C., & Breslau, N. (2006). Family cohesion and children's behavior problems: A longitudinal investigation. *Psychiatry research*, 141(2), 141-149. [\[link\]](#)
- Mikulincer, M., Shaver, P. R., Bar-On, N., & Ein-Dor, T. (2010). The pushes and pulls of close relationships: Attachment insecurities and relational

- ambivalence. *Journal of personality and social psychology*, 98(3), 450. [\[link\]](#)
- Mikulinger, M., & Shaver, P. R. (2011). An attachment perspective on interpersonal and intergroup conflict. na. [\[link\]](#)
- Mitchell, S (2009). Life-review therapy: A prevention program for the elderly who are experiencing life transitions. A grant proposal. California State University, Long Beach. [\[link\]](#)
- Mohr, G., Müller, A., Rigotti, T., Aycan, Z., & Tschan, F. (2006). The assessment of psychological strain in work contexts. *European Journal of Psychological Assessment*, 22(3), 198-206. [\[link\]](#)
- Okorodudu, G. N. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district. *Edo Journal of Counselling*, 3(1), 58-86 [\[link\]](#)
- Oswald, T. K., Rumbold, A. R., Kedzior, S. G., & Moore, V. M. (2020). Psychological impacts of “screen time” and “green time” for children and adolescents: A systematic scoping review. *PloS one*, 15(9), e0237725. [\[link\]](#)
- Phillips, C. (2018). Critical care diaries: an exploration of patient perceptions using Glaserian Grounded Theory. University of South Wales (United Kingdom). [\[link\]](#)
- Rachman, S. (1980). Emotional processing. *Behaviour research and therapy*, 18(1), 51-60. [\[link\]](#)
- Rupsiene, L., & Pranskuniene, R. (2010). The variety of grounded theory: Different versions of the same method or different methods. *Social Sciences*, 4(70), 7-19. [\[link\]](#)
- Shaw, B. A., Krause, N., Chatters, L. M., Connell, C. M., & Ingersoll-Dayton, B. (2004). Emotional support from parents early in life, aging, and health. *Psychology and aging*, 19(1), 4. [\[link\]](#)
- Tedgård, E., Råstam, M., & Wirtberg, I. (2018). Struggling with one’s own parenting after an upbringing with substance abusing parents. *International Journal of qualitative studies on health and well-being*, 13(1):1435100. [\[link\]](#)
- Terruwe, A. A., & Baars, C. W. (2016). *Psychic wholeness and healing: Using all the powers of the human psyche*. Wipf and Stock Publishers. [\[link\]](#)
- Van Ijzendoorn, M. H. (1992). Intergenerational transmission of parenting: A review of studies in nonclinical populations. *Developmental review*, 12(1), 76-99. [\[link\]](#)
- Van Ijzendoorn, M. H., & Bakermans-Kranenburg, M. J. (1997). Intergenerational transmission of attachment: A move to the contextual level. [\[link\]](#)

- Vanderminden, J., Hamby, S., David-Ferdon, C., Kacha-Ochana, A., Merrick, M., Simon, T. R., ... & Turner, H. (2019). Rates of neglect in a national sample: Child and family characteristics and psychological impact. *Child abuse & neglect*, 88, 256-265. [\[link\]](#)
- Vieira, J. M., Matias, M., Ferreira, T., Lopez, F. G., & Matos, P. M. (2016). Parents' work-family experiences and children's problem behaviors: The mediating role of the parent-child relationship. *Journal of family psychology*, 30(4), 419. [\[link\]](#)
- Wang, M., Xing, X., & Zhao, J. (2014). Intergenerational transmission of corporal punishment in China: The moderating role of marital satisfaction and gender. *Journal of abnormal child psychology*, 42 (8), 1263-1274. [\[link\]](#)